

بسپج پیشکشوتان

شجره طیبه بسپج محصولی طیب می دهد



مهمان این هفته سردار علی داداش زاده از مسئولان سپاه عاشورای استان آذربایجان شرقی است. گفت‌وشنودی کوتاه را با وی ترتیب دادیم و به بررسی شرایطفعلی بسپج پرداختیم.

متن زیر حاصل این گفت‌وگوست که از نظر تان می گذرد.

■ ■ ■

بعد از گذشت بیش از ۳۰ سال حضور تان در بسپج، بغر ما باید این که بنیانگذار انقلاب فرمود بسپج شجره طیبه است یعنی چه؟

حضرت امام خمینی،بنیانگذار انقلاب‌وشما مستضعفان در جمله‌ای در وصف این مکتب فرمود بسپج شجره طیبه است یعنی اینکه هر کس وارد این وادی شود و در این شجره پاک قدم بگذارد محصولی که خارج می شود و میوه‌ای که می دهد پاک و منزه است؛از هر گونه آسیب وبلامصونیت دارد. این مصونیت برمی گردد به چگونگی طی طریق فرد در این شجره طیبه. این طریق در نوع خود و در شکل کلی پاک و منزه و طیبه است. نمود آن را می توان انصافاً در طول دوران دفاع مقدس و بعد از آن مشاهده کرد. بسپج خود را در طول تاریخ انقلاب، هر گونه بحران، آسیب وبلاجات داده است. به عنوان یک شاه کلید در همه بحران ها خود را نشان داده است. بسپج تفکر است، مکتب است و طاهر است. این طاهر بودن بسپج باعث می شود همه چیز و همه کس را که در معرض خود قرار فد، این شجره پاک و طاهر و طیب کند. از این رو حضرت امام خمینی فرمودند بسپج شجره طیبه است. البته می‌تواند برداشت‌هایی گوناگون از این جمله شده‌اما برداشت خیر در این خصوص این گونه است.

شرایط و وضعیت کنونی بسپج را چگونه ارزیابی می کنید؟ به نظر شما انتقادی از شرایط کنونی بسپج وجود دارد؟

به نظر خوب است که بسپج، بسپج بماند. بسپج نباید محدود یا دولتی شود، باید همه جا باشد، تمامیت داشته باشد که ان دارم در هر کجا که ورود می کند باید اهداف و ارزش‌ها را تعقیب کند و به دنبال پیاده کردن تفکر و اصالت خویش باشد. نباید اهرم کسی شود. مخصوصاً کسانی که می خواهند بسپج باشد اما بتوانند مشابه دیگری برای آن در دست کنند که در بعضی بحران‌ها استفاده شخصی کنند. باید در هر کجا که انقلاب و نظام احتیاج داشت بسپج بکار گیری شود و همواره به دنبال اجرائی کردن ما موریت ذاتی خود باشد.

به نظر شما این قشری شدن بسپج در کل خوب است و به نفع نظام بوده یا خیر؟
روزی که بسپج تأسیس شد، شاید هیچ کس فکر نمی کرد روزی فرابرسد که در اقشار گوناگون بسپج آن قشر فعال شود. آن روز همه وظیفه بسپج، سربازی ولایت و پیروی از دستورات امام بود. امام فرموده بود جنگ در رأس امور است. بسپج همه توان خود را درگیر جنگ و دفاع مقدس کرده بود. اما اینکه امروز بسپج در اقشار گوناگون فعالیتی می کند را چگونه ارزیابی می کنیم؟ این کار محاسنی دارد و دارای معایبی است. حسن آن این است که بسپج در همه جا هست، نیازی نیست کسی امروزه برای سربازی ولایت و انقلاب خود را به جایی مشخص برساند، بلکه مهندس در بسپج مهندسین، پزشک در بسپج جامعه پزشکی، کار گر در بسپج کارگری و … مشغول هستند و دارای یک سازمان مرتب و مشخص شده‌اند، اما عیب آن این است که قبل از به وجود آمدن این اقشار پایگاه‌های مقاومت مساجد مرکز تجمع نیرو بود. طبق گفته امام می شدند. امروز وقتی در یک پایگاه شهری که متعلق به مساجد است برنامه‌ای می گذارند، یکی می گوید من مهندس هستم و با آنها می‌روم، دیگری در پزشکی و دیگری در کارگری و … در نتیجه مسئله‌ای که خود مشاهده کردم این بود از جمعیت ۵۰ نفری ۲۰ نفر هم به زور جمع شدند. این هم از معایب این طرح است.

جدول

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

آمان شریف

اداره پیام‌آوران ایثار یا **تأسیس در سال ۸۹** بر آن بود تا حضور جانبازان در عرصه‌های مختلف را با پر رنگ و بیشتر کند. این اداره با ترتیبت راویان سخنور سعی دارد هم از تجربیات جانبازان استفاده کند و هم به شبیہات و مسائل مرتبط با جنگ پاسخ دهد. «حمید اعتماد» که از جانبازان بصیر (دو چشم تاینسای) دفاع مقدس است در گفت‌وگوا «جوان» از فعالیت‌های این اداره و حضور جانبازان در جامعه می گوید.

■ ■ ■

شما در کدام عملیات و چگونه به مقام جانبازی نائل شدید؟
بنده در گردان مالک لشکر ۲۷ به صورت بسیجی حضور داشتم و در عملیات‌های بدر، والفجر ۸در فاء، کربلای ۱ و کربلای ۵ در سلمچه شرکت کردم. جانبازی من در دو مرحله اتفاق افتاد. در کربلای ۱ رمز «یا ابوالفضل شما» به یک چشمم تر کش خورد و تخلیه شد. یک مدت دوستان به شوخی می گفتند حاج‌حمید اعتماد عدالت دارد و همه را به یک چشم می‌بینند! در عملیات بعدی در کربلای ۵ تر کش به بخشی از دستم خورد و آن یکی چشمم تر کش خورد دادم و در نهایت جانباز بصیر (کسی که دو چشمش را از دست داده) شدم. بعد از جانبازی هم کارشناسی‌ام را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه تهران گرفتم و کارشناسی ارشد همان رشته را در دانشگاه علامه شروع کردم.

گویا شما در سازمان مردنهادی مختص جانبازان بصیر فعال هستید؟
بله، باید بگویم ما برای جانبازان بصیر سازمان مردم‌نهادی داریم که در وزارت کشور هم ثبت شده است و تمام جانبازان بصیر و دو چشم مجروح دفاع مقدس را از سراسر کشور گرد هم جمع می کنیم. این سازمان «خانه نور ایرانیان بصیر» نام دارد و در آن جانبازان در مسائل فرهنگی و ورزشی و آموزشی واریانه کاری میکنند. همچنین ما به تکنولوژی روز هم مسلط هستیم، ما سیستم‌هایی داریم که کار چشم را انجام می‌دهد و بچه‌ها را توانمند می‌کند. با برنامه‌ای مثل پارس آوا اگر وارد اینترنت شویم و هر جا زبان فارسی باشد به صورت اتوماتیک بر ایمان می‌خواند. تلفن همراه هم به همین صورت عمل می‌کند و پیام‌ها را می‌خواند. الان بچه‌های جانباز بصیر خودشان در دانشگاه از پایان‌نامه‌هایشان دفاع می‌کنند.

شما مسئول اداره پیام‌آوران ایثار هستید. هدف از تشکیل این اداره چه بوده است؟

بعد از دفاع مقدس احساس کردیم جنگ،



جانباز بصیر «حمید اعتماد»از فعالیت‌های اداره پیام‌آوران ایثار می‌گوید

۲۲۰۰ سفیر فرهنگی به‌سراسر کشور اعزام کرده‌ایم



حمید اعتماد (نظر اول از سمت راست) در کنار شهیدان فقید نیا و گمر

تر م است و همان بچه‌های رزمنده و جانباز را در خاکریز فرهنگی مشغول کردیم و اینجا جایی برای رزم فرهنگی ما شد. لذا سعی کردیم جانبازان را با فن سخنوری از طریق دانشگاه و حوزه آشنا کنیم و بچه‌ها به مراکز مختلف برای سخنرانی و روایتگری اعزام می‌شوند. جوانانی که جنگ و انقلاب را ندیده‌اند سؤال و شبیه دارند و این جانبازان از طریق تعامل و صحبت با جوانان باید این مسائل را بر طرف کنند. الان ۲۲۰۰ نفر نیروی کارنامه‌دار در سراسر کشور را هماهنگ کرده‌ایم که یک لشکر فرهنگی از جانبازان، آزادگان و فرزندان جوان شهدا می‌شوند.

برای اینکه جانبازان را وارد صحنه کنید چه برنامه‌هایی انجام داده‌اید؟

شاید جسم جانباز صدمه دیده باشد ولی روحش کاملاً سالم است. الان در ورزش جانباز بصیر «خلیل اقدام‌بناه» داریم که مدال‌های رنگارنگ برن مرزی را در ورزش شنا گرفته است. جانبازی که دو دست و چشم‌هایش صدمه دیده است. جانباز توانمند است و با استفاده از توانمندی‌اش از خانه بیرون آمد. برخی جانبازان از توانایی‌های‌شان در علم‌اندوزی استفاده کردند. نه فقط جانبازان بصیر، بلکه جانبازان ویلچری و قطع نخاع و کسانی که پا و دست ندارند را داریم. جانبازان در ورزش در مسائل علمی و تکنولوژی توانمند هستند. ما روی ورزش توان خاصی را گذاشته‌ایم و باید جانبازان را هدايت و حمايت و کمک کرد. جانبازی به نام «حمید شمس‌الهی» سه زبان بلد است و سال گذشته در راهیان نور به سه زبان دامان سلمچه را برای مهمانان خارجی توضیح می‌داد. در پیام‌آوران جانبازان را به مدارس و دانشگاه‌ها و راهیان نور و یادمان شهیدای می‌فرستیم و از توانایی‌هایشان استفاده می‌کنیم. جانباز بصیری داریم که نقاش است. شاید باور تان نشود ولی او نقاشی می‌کند و منظره‌های زیبایی را خلق می‌کند.

مهم‌ترین دغدغه و خواسته جانبازان چیست و آنها بیشتر روی چه مسائلی تأکید دارند؟

بخشی از دغدغه‌های جانبازان می‌تواند مالی باشد ولی مسائل مادی آفت‌د پررنگ نیست که بگوییم دیگر مسائل را هم تحت‌الشعاع قرار بگیرد. باید به جانبازی که پا ندارد و ویلچری است کمک‌هایی شود ولی آن چیزی که بچه‌ها را خوشحال می‌کند: زنده‌نگه داشتن و ترویج فرهنگی است که برای جانبازان آن چشم‌ها، دست‌ها و پاهایشان را داده‌اند. اولویت جانبازان دغدغه‌های فرهنگی است. سال گذشته در آغاز سال تحصیلی «سیدناصر حسینی‌پور» نویسنده کتاب «پای که ما ماند» در دبیرستانی دخترانه سخنرانی

داشت. پس از پایان سخنرانی دختران جوان صف کشیده بودند و می‌خواستند که حسینی‌پور کتاب را برایشان امضا کند. اینها قهرمان ملی ما هستند و جوانان شیفته‌خاطرات این عزیزان هستند. هر مدرسه و دانشگاهی که ما شب خاطره گذاشته‌ایم می‌گویند یک بار دیگر دعوت کنید تا آن جانباز بر ایمان صحبت کند. چه سبک زندگی بالاتر از اینکه جوانی فرمانده گردان می‌شود. اینها یک الگوی حقیقی هستند و دست‌نیافتنی نیستند. شهدایان و جانبازان ۲۰ سال پیش در همین خاک مجروح و جانباز شدند. ماگر به صورت الگو دغدغه‌ها را بگویم هم باعث جذب می‌شود و هم نیروهای جوان احساس می‌کنند یک چراغ راهی دارند هم جانبازان روحیه‌شان احیا می‌شود. البته جاهایی در بهداشت و درمان بچه‌ها دغدغه‌هایی را دارند که با برنامه‌ریزی و مدیریت حل خواهد شد.

آیا موضعی مدنظر تان بوده که تا به حال اجرائی نشده است؟

ما دوست داریم این فضا خیلی باز تر و حمایت‌های بیشتر شود چون پتانسیل جانبازان خیلی بیشتری از این حرف‌هاست. «محمدباقر عباسی» از ادعای است که سه تئاتر را در دوران اسارت و بتواتر اجرا کرده‌است. بعداز اسارت‌اتن کار ادامه‌داده و الان کارگردان است. نسل جوان و دانشجو حالا شهید را با وبلاگ و تئاتر می‌روند و مظلوم شهید می‌شوند. محمود منیر است. حالا جانبازان موتور محرکه جامعه هستند. نام نیست اینجا به نقش زنان در دفاع مقدس اشاره کنم. همسران جانبازان و شهدان نقش زیادی ایفا می‌کنند. همسر م به من می‌گفت تو در است‌ ادامه دده و من خودم جزوات را تدوین می‌کنم و برایت می‌خوانم.

این اقدامات را برای ترویج فرهنگ دفاع مقدس کافی می‌دانید؟

الان بنیاد حفظ آثار، سپاه و بنیاد شهید کارهای خوبی انجام می‌دهند. زمان چاپ می‌شود و کارهای هنری خوبی صورت می‌گیرد ولی اگر جایی شپه‌ای برای جوان در کاری صورت بگیرد نمی‌تواند که خالق آن اثر را پیدا کنی ولی آنها می‌توانند با واریان ما به طور مستقیم صحبت کنند و شپه‌اتشان را بر طرف کنند. حتی ما تصمیم داریم بعضی از جانبازان را برای ترویج فرهنگ دفاع مقدس به خارج کشور اعزام کنیم. بعضی از آزادگان زبان عربی را به خوبی صحبت می‌کنند و برخی در دوران اسارت چندین زبان را یاد گرفته‌اند. در پایان اگر حرف‌نگامتهای باقی‌مانده بفرمایید.

ز جانبازان بلند آمد سسر ما/ به ایثار است مدیون کشور ما/ ره ماره جانبازان عشق/ که خود جانباز باشد رهبر ما

یاد کرد

به مناسبت پنجم مهرماه اولین سالگرد درگذشت مادر شهیدان بیات سردمی

مادری که دامانش شهید پرورش می‌داد

عقب‌بازگردانده شد، او در ۱۷ بهمن ۱۳۶۶، در عملیات بیت‌المقدس ۲ آسمانی شد… منصور متولد ۱۳۴۶ و از محمود کوچک‌تر بود، اما همیشه در عبادات و فعالیت‌های مذهبی بر همه سبقت می‌گرفت. او همچون محمود بیشتر اوقاتش در مسجد بود. در زمان انقلاب هم بسیار فعال بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیتش را در بسپج آغاز کرد. یکی از اعضای فعال بسپج بود. بارها با گروه‌های ضد انقلاب بحث و درگیری داشت و معتقد بود که اینها اگر قابل هدایت هستند باید ارشاد شوند و در غیر این صورت باید با آنها به شکل جدی برخورد شود. منصور آریبی‌چی زن بود. در ۱۲ ماه مبارک رمضان در سال ۱۳۶۱، در عملیات رمضان مفقودالثر شد. او در بخشی از وصیتنامه خویش نوشته: «ای برادران و خواهران اقدر امام را بیشتر بدانید و سعی کنید، اولین کسی باشید که فرمان امامش را لیبیک می‌گوید که لیبیک گفتن به امام لیبیک گفتن به امام زمان (عج) است.»

سال ۱۳۷۳ (هج) که یک پشگدا را فرستادند گفتند پیکر منصور هم هست، اما منصور هم که حرف‌های عمیقی می‌زد و برداشت‌های حکمت‌آموزی از مقوله شهادت و پروراندن گوهرهای پاکي چون شهدا در دامن پر مهر مسادران بیان می‌کرد. مثلاً می‌گفت: «این کوتاه به ز ندگی سراسر پر برکت محمود، منصور و غلامرضا بیات‌سردمی به نقل از مر حومه خدیجه بیات‌سردمی داشته‌باشیم.

■ ■ ■

یک سال و چند ماه پیش بود که برای اولین بار به دیدار خدیجه بانو رفتیم. پیرزنی نورانی که حرف‌های عمیقی می‌زد و برداشت‌های حکمت‌آموزی از مقوله شهادت و پروراندن گوهرهای پاکي چون شهدا در دامن پر مهر مسادران بیان می‌کرد. مثلاً می‌گفت: «این حرفم را شاید کمتر کسی درک کرده و باور



آرام نمی‌نشینید. من پسر م را گم کرده‌ام. ۲۹ سال است چشم‌انتظار منصور هستم… غلامرضایم متولد ۱۳۵۲ و کوچکتر از دوتای دیگر بود، او هم به پیروی از برادرانش، علاوه بر تحصیل درس، شب و روزش را در بسپج سپری می‌کرد و همیشه می‌گفت باید مراقب بود تا مظاهر دنیا انسان را فریب ندهد. با برادرانش شوخی می‌کرد و می‌گفت کوجه به نام من خواهد شد. غلامرضا اولین بار در سال ۱۳۶۵ از طریق پایگاه ابوذر طی دوره آموزشی نظامی اقدام نمود به دلیل اینکه سنش بسیار کم بود با تغییر تاریخ شناسنامه سعی کرد به جبهه برود که موفق نشد.

اما دوباره با شناسنامه برادر بزرگش «یوسف» رفت. ما هم مخالفتی نداشتیم. بالاخره توانست به جبهه برود و یکبار مجروح شد. دوباره با وجود ترکشی که در پا داشت راهی جبهه شد. در نامه‌ای که برایم فرستاده بود، نوشت: «مشبب عملیات داریم؛ عملیات کربلای ۸، حال واحوال کرده بود و حالیت.» می‌دانستم آخرین نامه‌ای است که از او می‌خوانم و خبر شهادتش را ۲۶ فروردین آوردند و ما در ۲۸ فروردین شهیدمان را به خاک سپردیم. بلافاصله به شهادت می‌رسد. پیکر محمود را دفای امام خمینی می‌کرد.

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۴۳۵۱

جدول سودوکو

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱								
۲								
۳								
۴								
۵								
۶								
۷								
۸								
۹								

جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره ۴۲۵۰

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱								
۲								
۳								
۴								
۵								
۶								
۷								
۸								
۹								
۱۰								
۱۱								
۱۲								
۱۳								
۱۴								
۱۵								

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱								
۲								
۳								
۴								
۵								
۶								
۷								
۸								
۹								
۱۰								
۱۱								
۱۲								
۱۳								
۱۴								
۱۵								

■ ۱- جمع تلف- درس ورزش دانشگاهها ■ ۲- مرزبان- اسب تبریزی- رنگ- تجاوز از حد خود ■ ۳- حسرت کویر- نظام حکومتی- صدای کافی- بی‌زبان ■ ۴- درختی سوزنی برگ با چوب صنعتی- حق دلالی در گویش بیگانه- تکرارش با لی لی می آید ■ ۵- پرونده- آفرین- از جنگ‌های مولا علی ■ ۶- شهر سفال و سرامیک همدان- دسته بیستون ■ ۷- جواب مایوس‌کننده- شهری در فرانسه- میوه مربایی- پادشاه پرنده‌ها ■ ۸- جانور اهلی- بنیانگذار سلسله زندیه- برابر و مقابل ■ ۹- صد و چهارمین سوره قرآن- یک لحظه- ارتباط تلفنی- حرف خطاب ■ ۱۰- تصویر بزرگان دینی و مذهبی- اتحاد حزبی و به هم پیوستن ■ ۱۱- پرستان- دورویی- موسس سلسله ماد ■ ۱۲- حرف انتخاب- از قدیم گفته‌اند مقدم بر درمان است- سعی و کوشش ■ ۱۳- توانایی مالی- شک و تردید- پول واحد اروپایی- علامت مفعول ■ ۱۴- رهبر حزب- از بخخش نمی‌شود- به دنیا آوردن- آینده ■ ۱۵- از بیماری‌های چشم- مایوس